

از ارتباط و معنا را در این محیط جدید یافته‌اند. به عبارتی در این وضعیت جدید در روابط بین‌الملل همه چیز متأثر از این است که ما در جهان پیرامونمان چگونه فهمیده می‌شویم و کدام ویژگی مان در چهارچوب فهم دیگران برجسته می‌شود. به این وضعیت قاب‌بندی (Framing) می‌گویند که در آن شرایط کنشگری ما در فضای جهانی، به آن وابسته است که چطور در این شبکه جهانی قاب‌بندی می‌شویم؟ شبکه جهانی باعث شده است که در عرصه جهانی این مسئله به وجود بیاید. این‌ها نمونه‌هایی از سطوح دیگر لایه‌های کیک روابط بین‌الملل هستند.

**شما روی تحولات تکنولوژیک و مادی دست می‌گذارید در حالی که دکتر سلیمی معتقد است که همین تحولات تکنولوژیک و سیستم شبکه‌ای پیامد آن، تغییر عمده‌ای در سیاست بین‌الملل ایجاد کرده و فضای جدیدی را سامان داده است که در آن، بازیگران اصلی، نه دولت‌ها، بلکه شبکه‌های جهانی هستند.**

ابراهیم متقی: من وجود اقتصاد جهانی شبکه‌ای را نفی نمی‌کنم. عرض من به دکتر سلیمی آن است که نمی‌توانیم انکار کنیم که این اقتصاد شبکه‌ای که امروزه در سطح جهان گسترش یافته است، خودش حاصل شکل‌بندی‌های تولید اقتصادی و دگرگونی‌هایی است که ماهیت مادی دارد و از نمودهای قدرت مادی است و از «ایده‌ها» نیست. مانوئل کاستلز یک نئومارکسیست است. امثال او نگاهشان این است که هرگونه تحول فکری و اجتماعی به‌گونه اجتناب‌ناپذیر یک زیرساخت مادی عینی دارد. ما تحولات قدرت را در درون این زیرساخت‌های مادی و عینی دنبال کنیم. دولت همیشه وجود داشته است. همیشه مجموعه‌ای بوده که می‌جنگیده است و قلمرو و جمعیت و حوزه نفوذ می‌خواسته است، ولی اولین بار در وستفالیای پدیده دولت در چهارچوب روابط میان دولت‌ها شکل پیدا می‌کند. حالا ممکن است بفرمایید که دولت شبکه‌ای امروز چه ربطی به دولت وستفالیایی ۱۶۴۸ دارد؟ بله، قطعاً ندارد! قلمروها کاملاً دگرگون و شبکه‌ای شده است، اما چرا شبکه‌ای شده است؟ چون تکنولوژی و اطلاعات و ارتباطات شبکه‌ای شده است و همه این مسائل قالب جدیدی را در ارتباط با مسئله دولت، قدرت و سیاست رقم زده است.

بر این اساس، نگاهی که من دارم این است که شکل‌بندی موجود سیاست بین‌الملل، همچنان مبتنی بر دولت‌ها (statism) است. همچنان بازیگر اصلی strong-stateها (دولت‌های قوی) هستند. البته این دیگر همان power-state (دولت قدرت‌مدار) نیست و معنایش این نیست که یک دولت بتواند قدرتش را هرطور که دلش می‌خواهد به کار بگیرد. در عصر اطلاعات و جامعه شبکه‌ای، کشوری که مشروعیت خود را صرفاً بر قدرت نظامی قرار دهد، یک دولت قدرت‌مدار (power-state) باقی خواهد ماند و دچار شکنندگی ساختاری خواهد شد، اما قدرت و زیرساخت‌های مادی قدرت همچنان در کار است، حتی آگاهی جهانی هم تابعی از معادله ساختاری سیاست بین‌الملل است. هر کشوری به نحوی که در ساختار قدرت قرار می‌گیرد، قادر خواهد بود تا تفسیری خاص از آگاهی جهانی را ارائه کند.

۴۳ سال است که در وضعیت تحریم اقتصادی قرار داریم و نمی‌توانیم بگوییم آنچه امروز در برابر ما صف‌آرایی کرده، آن‌طور که دکتر سلیمی می‌گوید، «آگاهی جهانی» است. اگر فرض کنیم چیزی تحت عنوان آگاهی جهانی وجود دارد، گاهی به نفع ما بوده است و گاهی علیه ما. پس ما در برابر یک آگاهی جهانی قرار نداریم، بلکه چند دولت هستند که قدرت دارند و چون قدرت دارند، جاذبه ائتلافی